

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Martyrs

جانبازان

س. رها  
۲۳ اکتوبر ۲۰۱۳

## او رفت، ولی راهش تا ابد باقیست

«ابراهیم غارتگر دیر زمانی پیروز نخواهند ماند، دیر زمانی صاحب آسمان نخواهند بود و اختران را تنها به ظاهر

درکام خود فرو می برند»

(والت ویتمن)

آه! کابل ویرانم غم هائی که تو در سینه داری باهیچ پیمانه ای قابل پیمایش نیست و تاریخ از ستردن آنها از قلبت ناتوان است. مسخ شدگان امروز نه فردا باید در پیشت زانو بزنند و ما روانیم تا گوشواره آبادی ات را از دست جلاخان استعمار باز ستانیم، کابل بر ما منت گذار، تو برای ما «محمودی»ها، «غبار»ها، «فیض احمد»ها، «یاری»ها و «پاغر» هارا ارزانی داشتی، تا ما یتیمان گمشده ات را از زیر ضربات سیلی های ملعونین استعمار و منفور شده های تاریخ نجات داده و راه کلبه آزادی را با چراغ های افروخته شان، نشان ما دهند.

در مقاطع مختلف تاریخی، توده های آزادی خواه و استبداد زده، قهرمانانی را به وجود می آورند که از هر لحاظ برازنده تر است تا آن قهرمانان منحیث گردان پیشرو در هر لحظه توده های در غم تنیده شده را یاری داده و سلاح مبارزه و مقاومت را در برابر نا استواری ها و نابرابری های زمان به دست گرفته و راه و رسم بلند کردن این سلاح را برای نسل های بعدی خود ترسیم نمایند، و چنین فرهنگ مبارزه و مقاومت را برای همیشه در بی کرانه های تاریخ نهادینه سازند، و با گذار از خون خود و نثار آن در راه این آرمان والا، نشان دهند که نباید همیشه همچون خس و خاشاک ماهیان مرده موازی با جریان دریای طوفانزا و تباه کن در حرکت بود و می توان با ریختن خون خود در پای نهال مبارزه و مقاومت این حرکت را تغییر جاودانه داده و در دل تاریخ حک نمایند؛ و ثابت سازند که تنها زمانی زندگی برای انسان ارزشمند است که به سان یک انسانی دارای حقوق انسانیت، زندگی کند. چنین کسانی چه بی باکانه نشان دادند که چنین چیزی را فقط با شنا کردن مخالف جریان می توان کسب کرد، ورنه چه خوب می بینیم که برای رسیدن به زباله دان تاریخ و ساحه غرق شدن دریا، «سگ ماهیان» مرده هم می توانند بدون دست و پا زدن به آنجا برسند و به جز بدنای و سرافکنندگی چیزی دیگری از خود به یادگار نگذارند.

در تاریخ مقاومت و وطن ما، «عبدالرحمان محمودی» بدون شک یکی از کسانی بود که با پیکار های به یادماندنی اش پنجه به آسمان انداخته و راه و رسم «بورش بردن به عرش اعلی» را جاودانه ساخت، او نماد راستینی از وجدان آگاه و بیدار، شرف انسانی و عزت و غرور تاریخی ماست و ثروتیست، همیشگی.

کافیست به جدال های آزدیخواهانه او در دوران هفت و هشت شورا وبعد از این که با تعداد شانزده نفر از همزمان خود در تاریخ ۱۸ سرطان ۱۳۳۱ به زندان رفتند و مقاومت های پایدار و بنیادینی را که در آنجا انجام داد، نظر افکنیم، آنوقت است که اهمیت تاریخی همچون شخصیت هائی را درک می کنیم و به گفته برتولت برشت به این باور می رسیم که چنین کسانی، در برهه های مختلف زمانی، «برای یک جامعه ضرورت اند».

از زنده یاد عبدالرحمان محمودی و کارنامه های درخشان او بی شمار گفته شده و شاید به تعداد صدها نوشته و مقاله در این راستا به کتابت رسیده باشند، اما چیزی که فکر می کنم بهترین و شایسته ترین برخورد با چنین انسانها را می نمایاند، با پاهای محکم و عزم راسخ ادامه دادن به راه و آرمانهای آنهاست. هیچ اشک ریختن و افسوس خوردنی نمی تواند آن زنده یادان را به زندگی برگرداند و یا از زندگی پربار مبارزاتی آنها تجلیل و تجلیل نماید، تنها تعهد کردن به ادامه راه آنها و تا به تحقق پیوستن آروزی های آنهاست که نشان می دهد ما با عبدالرحمان محمودی و دیگر زنده یادان سرزمین آزادی، چه رابطه ای داریم.

بلی، زمانی که ماهمچون عبدالرحمان محمودی زندگی را فقط به نفس کشیدن خلاصه نکنیم و راه برای زندگی کردن دیگران نیز جست و جو کنیم و در این راه قربانی شدن خود را شرطی برای موفقیت ببنداریم، دقیقاً آن زمان است که ما محبت خود را به عبدالرحمان محمودی و راه آن ابر مرد تاریخ ما، ثابت می سازیم، «کسانی که حاضر نیستند برای آزادی بهائی بپردازند، لیاقت آزادی را ندارند» (جرج واشینگتن).

شخصیت های بزرگ تاریخی همچون عبدالرحمان محمودی و جاودانه های دیگر، هیچ گاهی با بیرون شدن رمق حیات از بدن شان، نابود نمی شوند، بلکه تازه بعد از آن است که به جاودانگی می پیوندند و «زنده برای همیشه» می شوند، چون زندگی آنها تنها به همان رمق حیات داشتن خلاصه نمی شود و حتا برای «زنده برای همیشه» شدن، از دست دادن این رمق ضروری می نماید و از اینجاست که پرواز آنها به جاودانگی آغاز می یابد و تبار خستگی ناپذیر آزادی و انسانیت را آب حیات می بخشند. چنین اشخاصی، «زنده ماندن به هر قیمت» را برای خود ننگ پنداشته و هرگز در این قفس تنگ محصور نمی مانند، زیرا پرندگانی که در قفس به دنیا می آیند و در همان محدوده زمان می گذارند، پرواز را بیماری می پندارند.

ما یاد و خاطره زنده یاد عبدالرحمان محمودی را گرامی می داریم و با هر تکرار تلخ تاریخی تاریخنامه مرگ آن بزرگ مرد تاریخ ما، تعهد دیگری به صورت هرچه محکمتر و ریشه دارتر با راه و آرمان آن رفتگان، بسته و عهد می بندیم که تا رسیدن به آزادی و برابری، به زمین گذاشتن سلاح رزم را خیانت ببنداریم و با آن، محمودی گونه مبارزه کنیم.

**یادت گرامی و راهت پر راهرو باد!**